

قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟ - صفحه ۵۰

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

 @farsitadris**#تاریخ_ادبیات:**

علی اکبر گلشن آزادی: صفحه ۱۷۷ / نادر ابراهیمی: صفحه ۱۷۳ کتاب درسی

#معنای_لغات:

زیست: زندگی / می‌روند: (در اینجا به معنی) می‌میرند / اذیت: آزار دادن / تمام تمام: همه، کامل / واقعاً: به درستی / حقتش است ← حق: شایسته، سزاوار / مهمان‌خانه: مسافرخانه / لانه: خانه‌ی گنجشک / راحت: آسوده / معلوم: آشکار / عاقل می‌رسید: من درست فکر می‌کردم / توی: داخل، درون / فوراً: سریع، تند / حسابی: کامل، فراوان / شلوغ: پر سر و صدا، پر جمعیت / ولو: پخش، پراکنده / گله: ناراضی، ناراحتی / رضایت: خشنودی / قوم و خویش: فامیل / قدر: اندازه / سعی: تلاش و کوشش / تقصیر: سهل انگاری، کوتاهی / یواش یواش: کم کم، آرام آرام / دفعه: مرتبه / یک عالم: مقدار زیاد، بسیار / سراسر: همه، تمام / درست کنند: اصلاح کنند / کثیف: آلوده / زور نگویند: ظلم و ستم نکنند / عجیب: شگفت انگیز، شگفت آور

#آرایه_های_ادبی:

همچو سرو: تشبیه / آزاد: تکرار / زیست کردن و رفتن (در معنای مردن): تضاد / کوچولو ← در سطر اول درس: تکرار / خیلی ← در سطر اول درس: تکرار / خالی ← در سطر دوم درس: تکرار / قلب مثل یک گلدان: تشبیه / کوچولو ← در سطر ششم درس: تکرار / خوب راست می‌گویم دیگر، نه؟ ← استفهام انکاری / قلب مهمان‌خانه نیست: تشبیه اسنادی منفی / قلب لانه‌ی گنجک نیست: تشبیه اسنادی منفی / بهار و پاییز: تناسب / سطر دوم صفحه ۵۳: واج آرای «چ» / برادر بزرگم، خواهر کوچکم ← بزرگ و کوچک: تضاد / برادر، خواهر، پدر بزرگ، دایی و عمو: تناسب / خیلی خیلی خیلی پولداری: تکرار / قلب کوچک کوچک: تکرار / روز و شب: تضاد / خاک ما: مجاز از سرزمین، میهن / قلبم مثل یک شهر بزرگ: تشبیه / مدرسه، بیمارستان، سربازخانه و مسجد: تناسب / کوچه، محله و خیابان: تناسب / یک عالم جای خالی داشت: کنایه از ظرفیت بسیار / جای خیلی خیلی کوچک: تکرار / بد، خوب: تضاد / جنگل، پرنده، کوه، ماهی، آهو و فیل: تناسب / قلب است یا دریا: اغراق (بزرگنمایی) / قلب برای همین است دیگر، مگر نه؟ ← استفهام انکاری

معنای بیت اول فصل: زندگی این دنیا گوارای کسانی است که مانند درخت سرو وارسته و آزاده هستند و به دنیای مادی دل نمی‌بندند و آزاده و وارسته این دنیا را ترک می‌کنند.

#نکات_دستوری:

نصف قلبم خالی مانده... (است): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / مقداری جای خالی مانده... (است): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / قلبم حسابی شلوغ شده... (است): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / کوچه (داشت)، محله (داشت)، خیابان (داشت): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / در یک گوشه‌ی قلبم مانده (است): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / برای همه‌ی آدم‌های بد (باقی گذاشتم): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / قلب است یا دریا (است): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی

#خود_ارزیابی:

- ۱- اگر خالی بماند مثل یک گلدان خالی زشت است؛ آدم را اذیت می‌کند. در ضمن قلب جایگاه دوست داشتن و مهرورزی است. اگر کسی در قلب ما نباشد، احساس تنهایی و افسردگی می‌کنیم.
- ۲- به خاطر اینکه در قلب آدمی، محبت هزاران نفر می‌تواند جای بگیرد و هیچ وقت پر نمی‌شود. آسمان، آب جاری، رودخانه و...
- ۳- چون او به دارایی و اموالش بیشتر علاقه داشت، تا در قلب دیگران بودن!

* نوع نثر: ساده